



۲ قبله گاه جدید در دنیای مدرن



کس دیگری هم آب می‌خواهد؟



۳ زندگی مجردی سبکی جدید برای زندگی




نفس بگش...



۴ دربند را باید دید...



۴

باز فکر کردن • قوی عمل کردن • جاره اندیشیدن • هدف ماست

• ماهنامه علمی، فرهنگی و سیاسی
• سال سوم • شماره پانزدهم • آبان ۱۳۹۲

تلخ و شیرین دانشگاه تهران مرکز



دموکراسی تو روز روشن در دانشگاه...

تلخ و شیرین این ماه مجتمع ولی عصر (عج) از آن حکایت‌های پرماجرا و جالب شد، انقدر اتفاق و ماجرا زیاد است که نمی‌دانم از کجا شروع کنم!

اواخر مهر ماه بود که با خبر شدیم کرسی آزاد اندیشی با موضوع (فیس بوک - لایک، دیس لایک) در دانشگاه برپا خواهد شد.

این کرسی توسط دفتر نهاد رهبری در سالن فردوسی دانشکده علوم انسانی در تاریخ ۷/۲۹ برگزار شد خدارو شکر استقبال دوستان دانشجویان خوب دانشگاه، عالی بود چهار موافق و چهار مخالف رود روی هم بحث می‌کردند و حضار هم حق اظهار نظر داشتند فضا خیلی دوستانه و آزاد بود بحث دوستان انقدر داغ شده بود که تقریباً تمام شنونده‌ها هم مشتاق به مشارکت در بحث بودند، در نتیجه تبادل نظر بالایی صورت گرفت. خلاصه اینکه خوب شد این کرسی بر پاشد تا همه بقیه‌ی درد دل خودشان را باز کنند.

یاد آن موضوع انشاء دوران مدرسه بخیر "هر چه دل تنگ می‌خواهد بگو" دوستان خلاصه‌اش را بگویم دموکراسی تو روز روشن را آن روز در دانشگاهمان دیدیم. همه آزادی بیان داشتن تا مواضع خودشان را باز گو کنند و واقعا هم لایک فیس بوکی‌ها و دیس لایکی‌های مخالف خوب صحبت کردند هر کدام فیس بوک را از منظر خود باز گو کردند امیدواریم در آینده نیز شاهد چنین بحث‌های خوب و سازنده‌ای در دانشگاه باشیم و خبر هایی در این خصوص شنیده ایم که در شماره‌های بعدی حتما در باره شان خواهیم گفت.

واما خبر دوم برنامه جشن غدیر بسیج دانشجویی بود که به علت تهدید اینجانب معذور از باز گو کردن شرح واقعه هستم این دفعه بار سنگین قلم خودم را به دوش عکسها می‌گذارم!!! در ادامه جشن فارغ التحصیلی ورودیه‌های ۱۸۸ ارتباطات همچنین انتخاب اعضای انجمن ارتباطات برگزار شد. که این جشن فارغ التحصیلی هم خالی از خاطره و حاشیه جالب نبود خلاصه عده ای یک صدا گفتند : خداحافظ دانشگاه!

همچنین سه جلسه کلاس (معرفی تیپ‌های شخصیتی) با حضور آقای دکتر بخشعلی قنبری برگزار شد و ۲ جلسه بعدی در ساعت ۱۳ دوشنبه‌ها برگزار می‌شود. به کسانی که علاقه مند به شناخت تیپ‌های شخصیتی و یادگیری مهارت‌های زندگی هستند پیشنهاد می‌کنم در این کلاس‌ها شرکت کنند.

بوی محرم مثل هر سال بچه‌های مجتمع را پر از شور و حال حسینی کرد.

دانشگاه مان بیرق عزای حسینی را با آبرو بلند کرد، مثل سال‌های قبل ایستگاه صلواتی توسط جمعی از بچه‌های با صفا در حیاط دانشگاه بر پا شد. بسیج هم سنگ تمام گذاشت، دو روزی مراسم تعزیه خوانی در حیاط مجتمع با نوحه و مداحی

و اشک پاک بچه‌ها عجین شده بود، مراسم پر شور و حال دمام زنی هم اجرا شد، برنامه مداحی هرروز نمازخانه هم هیات شهدای بسیج هدایت می‌کرد. هرروز صبحها زیارت عاشورا و صبحانه توسط دفتر فرهنگ برگزار می‌شد. و نمایشگاه همه جا همین جاست (۴) از طرف کانون محبان المهدی وابسته به دفتر نهاد رهبری با نمایش آثار هنرمندان دانشگاه بر پا شد و از فعالیتهای جنبی آن برگزاری گفتگوی آزاد دانشجویان با حضور اساتیدی چون دکتر داکانی، دکتر وزیری، دکتر معصومی و حاج آقا طیبی با موضوع (کارناوالهای عزاداری واقعی یا صوری؟) به مدت چهار روز بود و مباحث نشست‌ها بسیار روشنگر و قابل تامل بود.

عکس: زینب محمدی دوست

سخن سبز دبیر

قافله عشق

باز هم محرم آمد حال و هوای شهر دوباره تغییر کرده و شهر رنگ و بوی دیگه ای به خود گرفته است، انگار که شور حسین جان دوباره به در و دیوار مرده ی شهر داده است. داشتم به این فکر می‌کردم ای کاش این جوش و خروشی که در شهرها از رسیدن ماه محرم رخ داده شهر جان و دل ما هم به وجود بیاید، قلب هر انسانی که هنوز انسان مانده از انسانیت بویی برده باشه حسین(ع) را به عنوان مظهر انسانیت و آزاد مردی می‌شناسد.

قطعا دل ما هم که از بچگی با عشق حسین و خاندانش پر شده از این قضیه مستثنی نیست. خیلی از ماها اسیر خیلی از زندون‌ها شدیم که بیرون اومدن از اون برامون ممکن نیست خیلی از ماها توی چاه هایی گیر افتادیم یا بهتر بگم سیاه چاله هایی گیر کردیم که به تنهایی توان رها شدن و درک طعم شیرین آزادی از این بندها رو نداریم. مگر یوسف پیامبر رو قافله ای که از کنار چاه رد می‌شد از آن چاهی که توش اسیر شده بود نجات نداد پس قافله‌ها و کاروان‌ها می‌توانند نجات بخش باشند. پیش خودم گفتم مگه چی می‌شه حالا که قافله ی عشق ابی عبدالله به حرکت افتاده توی مسیر حرکتش از سر چاهی که دل ما توش اسیر شده و دست و پامون توش بسته شده عبور کنه، ساقی قافله وقتی که سر چاه رسید تا رسالت سقایت خودش رو انجام بده، منته دست و پا بسته رو که اسیر و بیچاره کنج دیوارهای چاه دلم گیر افتادم رو ببینه و با دستای پر مهرش نجاتم بده و جامی از مشک معرفتش تو کوپر تشنه ی وجودم بریزه تا جون دوباره بگیرم و سرپا شم، بعدش ناخدا ی کشتی نجات هم عنایتی به من بکنه و من آزاد شده ی به دست برادرش را توی کاروانش ببندم و افتخار هم قدم شدن تا آخر مسیرشون رو بهم بده...

این آرزوی قبلی هم برای خودم هم برای همه ی شما دوستای عزیزم. تو این روزا و شب‌ها تو گذر این لحظه های ناب من و برو بچه‌های بقیه رو از دعای خیرتون بی نصیب نذارید.

دانشجو باید...

عبرت...

عاشورا غیر از درس یک صحنه عبرت است. انسان باید در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد.

عبرت بگیرد یعنی چه؟! یعنی فرد خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و وضعی قرار دارد. چه چیزی او را تهدید می‌کند و چه چیزی برای او لازم است. این را عبرت می‌گویند.



پیامک دهید جایزه بگیرید

زیباترین جمله‌ای که در بقیه این شماره خواندید به سامانه پیامک ۳۰۰۲۸۳۲۵۶۵۲۲ ارسال نمایید.

این شماره ۳ برنده

لطفا نظرات خود را در مورد این شماره به صورت عالی، خوب، متوسط، ضعیف همراه با عنوان بهترین قسمت نشریه به سامانه ۳۰۰۲۸۳۲۵۶۵۲۲ ارسال نمایید

با حضور استاد آیدین آغداشلو به همت دفتر فرهنگ و با همکاری گروه نقاشی پیامبر اعظم(ص): برگزاری مراسم شب شعر عاشورایی توسط دفتر فرهنگ

دبیر سرویس خبر

ونذری به همت دفتر فرهنگ و حمایت مالی دانشجویان و اساتید و کارکنان در نمازخانه در روز سه شنبه ۸ محرم

هنر: نشست تخصصی با موضوع (پرده خوانی های عاشورایی) در تالار اجتماعات

اخبار واصله از دانشکده ها:

مدیریت: برگزاری مراسم انس با قرآن کریم با حضور قاریان برجسته کشوری همراه با عزاداری

یه حرف حساب

قصه ی قدیمه «غرور»

خیلی سخت است یکی توحید و اندازه‌های خودمان بخواهد حرفی را به ما بزند، باز یک سر و گردن بالاتر باشد، یک چیزی ولی وقتی هم قد و قواره ی ماست. چطور می‌شد قبول کرد؟ طرف رفیق خودمان است، از جیک و پیک اش خبر داریم، همسایه مان است، کس فوق العاده ای نیست، توی شرکت، همکارمان است. صبح تا عصر را توی یک دفتریم، بعد آمده از یک حقیقتی حرف می‌زند که ما تا حالا بهش فکر نکردیم، حتی گوش کردنش هم سخت است، چه برسد به قبول کردنش. هر چقدر هم حقیقتی که ازش حرف می‌زند، دلنشین و باور کردنی باشد، ما دلمان می‌خواهد انکارش کنیم. یک سری تکان بدهیم و رد شویم. اصلاً هم به روی خودمان نیآوریم که برابمان جالب بوده.

همان قصه ی قدیمی غرور، همان ماجرای «ان انتم الا بشر مثلنا». همان حرفی که مردم به رسولان می‌زدند. می‌گفتند شما که مثل ما می‌خورید و توی بازارها راه می‌روید، چطور ما باید به حرف شما برویم؟ شما که قصر طلایی ندارید. فرشته هم روی شانه هایتان نشسته، چرا ما باید فکر کنیم، خبری از خدا آوردید؟ چرا ما نه؟ چرا شما؟

اما چه بخواهیم، بخشی از حقیقت، پاره پاره و تکه تکه بین همین آدم‌های معمولی و ساده تقسیم شده. گاهی پاره ای از حقیقت، در دستان کسی است که اصلاً به سر و وضعش نمی‌آید از این چیزها در چنته اش باشد، ولی هست. حواسمان باشد که این رسولان ساده و معمولی را انکار نکنیم، شاید در کوله ی همین مردمانی که نه می‌توانند کوهی چایه جا کنند، نه قصرهای طلایی دارند، تکه ای از حقیقت باشد. سهم کوچکی از خدا اگر فرور کورمان کند، از این تکه، از این سهم، محروم می‌شویم. این مردم، خانواده ی خداوند هستند و کسی چه می‌داند در گوش هر یک از اعضای خانواده اش، چه رازی را گفته است؟

به کوشش خدیجه تاجر

معضلات دانشگاه و لیخنه مصلحتی

کالری می‌بره که بعضیا حاضر نمی‌شن این کارو انجام بدن. دیگه توصیف سرویس بهداشتی هم که بدون شرح باشه بهتره فقط یک لطفی بشه که اون کلمه ی بهداشتی رو از بغل سرویس بردارین اونجوری رئال تر میشه و از اون مهم تر دروغ گوئی و عوام فریبی هم نمیشه! حالا بریم سراغ رنگ کلاسا که خیلی هاتون میگی چرا کلاسا رو رنگ نمی‌زنن و الا ما اینو از مسئولین پرسیدیم ولی اونا به جوابی به ما دادن که یه کم قابل تأمل بود.

اونا میگن ما سال ۹۰ اینجا (کلاسا و راهروها) رو رنگ کردیم اما چند هفته بعد بچه‌ها دیوارا رو به روز اول برگردوندن. بابا راست می‌گن نوشتن اسم معشوق و کشیدن قلب تیر خورده رو دیوار مال دوران جهالت راهنمایی بود نه الان که دانشجوییم. برا همین چیزی بود که مسئولین آموزش و پرورش این مقطع رو حذف کردن دیگه!!

در ضمن به این نکته پی بردم که بعضی‌ها واقعا دیوار راست و میرن بالا مثل بعضی از دوستان که جای پاشون رو دیوار ره این حرف منو تصدیق می‌کنن. حالا خودمونیم و اگر خودمون کلامونو قاضی کنیم به نظرتون چند درصد مقصریم؟

دانشجویان عزیز باز هم باید یادآوری کنم ما زیر شاخه رشته علوم انسانی هستیم و باید اعمال و رفتارمونم در حد این رشته باشه.

خودتون بهتر از من می‌دونید که یک محیط تمیز انرژی مثبت بیشتری به اطراف میده تا به محیط کثیف. یک کاری کنیم که این خدمه زحمت کش خستگی به تنشون نمونه لا اقل بعد هر نظافت چند ساعتی تمیزی رو ببینن. دوستان اندکی تأمل، انصاف و نظم!!

خبرنگار بقیه پیچ

سلام دوستای خوب بقیه خون خودم که همیشه با خوندن این ستون منو شرمند می‌الطافشون کردن راستش من هر دفعه معضل نوشتنم و از مسئولین تقاضا کردم که موضوع رو حل کنن این دفعه با یه کمی چرکه انداختن و بالا پایین کردن دیدم موضوع بیشتر به خودمون مربوطه یا حداقل رعایتش به نفع خودمون. واره همین خواستم تو این شماره با شما عزیزان در گوشی حرف بزنم.

اگر همه ی ما یه نگاه کوچیک به سال تولدمون تو شناسنامه‌های خوشگلمون بندازیم و بعدش من از شما سنتو ببرم کمترین سن باید ۱۸ سال باشه. حالا شما فکر کنید تو محیطی که سن ما از ۱۸ شروع می‌شه و به قول خودمون یه محیط علمی - فرهنگی یه چنین معضلی باید وجود داشته باشه؟

البته منظور من تو این شماره به همون عده ای انگشت شماره. چند وقت پیش رفتم سر یه کلاس قبیل از این که دوستامو ببینم و باهاشون احوال پرسی کنم زودتر از اونا چند تا بطری دلستر و آشغال چیپس و ساندویچ زودتر از من به هم سلام کردن و جالب اینجا بود که زودتر از بقیه دانشجویها رو صندلی نشسته بودن و آماده ی کسب علم بودن. به خودم گفتم ای دل غافل دیدی از تو زنگ ترم بود.

بله یعنی کلاس پر از زباله بود، باور کنید اون قدر که کف زمین و روی صندلی زباله بود توی سطل آشغال نبود! اتفاق و صحنه ی اون کلاسو ندید گرفتم. به حیاط که رفتم دیدم حیاطم دست کمی از کلاسا نداره و نداشتن حیاطم از این لطفشون بی نصیب بومنه.

بابا ما که سوم بودیم توی اجتماعی تو درس آقای هاشمی نوشته بود که جای زباله توی سطل زباله است نه بغل سطل زباله. نمی‌دونم یه آشغال ریختن توی سطل زباله چقدر

تربین‌ها...

معرفی شده از طرف دانشجویان و کارمندان دانشگاه

محمدرضا طهماسبی،

متولد ۱۳۵۶، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد ادبیات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، شاعر توانمند

نفر دوم هفتمین جشنواره بین المللی فجر

منتخب کشور در کنگره ملی شعر پیامبر اعظم

نفر اول کشور در کنگره ملی شعر شفق آثار: کتاب شعرگزارها چاپ انتشارات سوره مهر- کتاب شعر و ازگان و ازگون چاپ انتشارات ادب



سیده مهدیه فرد

طباطبایی، متولد ۷۱، دانشجوی علوم تربیتی گرایش مشاوره راهنمایی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، روشن دل، شاعر، حافظ هفت جزء قرآن کریم.



مریم فیاضی منفرد، متولد ۷۲، دانشجوی حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، علیرغم معلولیت جسمی حرکتی حافظ یک جزء قرآن میباشد. در مسابقات داستان نویسی، مسابقات ستاد اقامه نماز و مسابقات فرهنگی مختلف منتخب شده و مدالهای متعدد دارند.

آسمانی‌ها...



کس دیگری هم آب می‌خواهد؟

بعد از قطع نامه می‌خواستند ببرندمان کربلا. اولش باور نکرديم. اتوبوس‌ها که به اردوگاه آمدند، باورمان شد. به حرم امام حسین(ع) که رسیدیم، همه با صورت به زمین افتادند و سینه خیز به سمت ضریح رفتند. ضریح خیلی غبار داشت و کثیف بود. بچه‌ها با دست گرد و خاک را پاک کردند و به چشم و صورتشان کشیدند. مردم دور و برمان را گرفته بودند و همراه ما گریه می‌کردند. حتی افسرها هم رویشان را بر می‌گرداندند و پشت به ما اشک می‌ریختند. قاسم خیلی دلم می‌خواست شهید شود. اسارت را دوست نداشتم. به همه التماس دعا گفته بودم. افسر عراقی وارد شد و پرسید: کی آب می‌خواست؟ قاسم گفت: من، خیلی تشمنم...

هنوز حرفش تمام نشده، افسر کلکش را کشید و به سر او شلیک کرد. مغز قاسم پاشید کف راهرو و به لباس‌های ما. افسر فریاد کشید: کس دیگری هم آب می‌خواهد؟ افسر عراقی گفت: من فهمیده‌ام که شما سه کار را از روی عشق می‌کنید، جنگیدن، نماز خواندن و عزاداری. شب عاشورا عراقی‌ها گفتند می‌خواهیم بهتان واکنش بزنیم، زدند. یکی به دست راست و یکی به دست چپ. دست‌هایمان بی حس شد و تب کردیم. نمی‌توانستیم سینه بزنیم؛ ولی لب‌هایمان تکان می‌خورد. یا حسین(ع) یا ابوالفضل(ع)

منبع: مجموعه کوله پشتی

حجاب، یونینفر ۳۰ نیست!



منبع: شرکت سوشیانت شیراز

من به عنوان یک جوان دلم می‌خواهد هم از مظاهر مد پیروی کنم و در واقع، یک جوان امروزی باشم و هم از سبوی دیگر به ارزش‌های خودم پای بند بمانم و جوانی باشم که هم با جامعه پیش می‌رود و هم به مبانی ارزشی پایبند است؛ چطور می‌توانم از تک بعدی بودن بهره‌برم و یک جوان چند بعدی باشم و در عین حال، به تضاد و تناقض هم نرسیم؟ اسلام چه دیدگاهی در مورد مدرگرایی دارد؟

انسان، موجودی است کمال طلب و دوست دارد آن چه را موجب رسیدن او به کمال می‌شود، به دست آورد. در این میان، جوانان نه تنها از این قاعده مستثنا نیستند، بلکه ویژگی‌های جوانی نیز اقتضا می‌کند که بر این کمال طلبی، پافشاری بیشتری داشته باشد؛ زیرا جوان همواره به دنبال ایده آل‌ها، کمال مطلوب‌ها، جاودانگی، معنویت، زیبایی و ارزش‌هاست و در عین حال، روحیه‌ای تنوع طلب دارد و از حالت ثابت و ایستا، گریزان است. اگر این ویژگی‌های جوانی، یک دوره‌ی بسیار بارور و پر برکت خواهد بود و اگر این بینش صحیح همراه با باورهای دینی نباشد، دوره‌ی جوانی یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگی او خواهد بود و چه بسا تا مرز سقوط، انحطاط و هلاکت کشیده شود.

خوشبختانه اسلام که کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان الهی است و مهمی نیازهای مربوط به کمال و شکوفایی انسان را دربر دارد، دینی است مترقی و احکام آن هماهنگ تغییراتی است که در زندگی

دلم می‌خواهد امروزی باشم!

بشر به وجود می‌آید و به عبارت دیگر، اسلام زمان و مکان و تأثیر آن‌ها در زندگی بشر را در نظر دارد. از این رو، هیچ‌گاه یک مسلمان واقعی، انسانی تک بعدی و عقب افتاده از تحولات و پیشرفت‌های زمان خودش نیست. اسلام، همواره به هنر و آراستگی ارج می‌نهد و در عین حال، بر حفظ ارزش‌های اخلاقی و مسائل معنوی - که در رسیدن به کمال نقش اساسی دارند - تأکید می‌کند. بنابراین، اگر ما به اسلام واقعی معرفت پیدا کنیم، هیچ‌گاه تک بعدی نخواهیم بود؛ اما عدم آگاهی ما به دستورات اسلامی، موجب می‌شود که ما تلقی صحیحی از اسلام نداشته باشیم و گاهی اوقات، دچار عارضاتی نیز بشویم.

کلید حل این تعارضات، شناخت بیشتر اسلام و التزام عملی به دستورات اسلام می‌باشد، اسلام همان طور که انسان‌ها را دعوت به خودسازی و طهارت می‌کند، به آراستگی ظاهر نیز توجه دارد؛ تا جایی که نظافت را نشانه‌ی ایمان می‌داند. طبیعی است که آراستگی ظاهری در هر زمانی، متناسب با شرایط آن زمان و فرهنگ حاکم بر جامعه است. به همین دلیل اسلام، انسان‌ها را در نوع لباس پوشیدن یا رنگ لباس یا نوع آرایش، محدود نکرده است که مثلاً فقط مثل عرب‌ها لباس بپوشید؛ بلکه آن چه مورد نظر است، اصل پوشش است و اگر عفاف انسان‌ها حفظ شود، مفسده‌ای به دنبال ندارد. بنابراین، نوع آرایش یک جوان آسیایی و شرقی، با نوع آرایش یک جوان غربی، متفاوت است؛ اما در عین حال، هر دو می‌تواند آراستگی مورد نظر اسلام را داشته باشند؛ به شرط این که با ارزش‌های الهی و سایر احکام و دستورات دین، منافات نداشته باشد.

به نظر می‌آید که در برداشت از آراستگی ظاهری و مدرگرایی، اشتباه شده است. مدرگرایی امری است غیر از آراستگی و زیبایی ظاهری؛ البته ممکن است گاهی اوقات عملی یا هنری و یا طرز لباس پوشیدنی مد شود و منافاتی با ارزش‌های دینی نداشته باشد اما همیشه این گونه نیست؛ زیرا مبنای کسانی که در پشت صحنه، مروج مدرگرایی هستند، چیزی جز دنیاطلبی و کسب منافع نیست و برای آن‌ها مهم نیست که آیا این چیزی که آن‌ها به تبلیغ آن می‌پردازند، با ارزش‌ها و کمالات انسانی تعارضی دارد یا نه. بنابراین، یک انسان مؤمن که می‌خواهد پای بند به ارزش‌های الهی باشد، نباید تابع فرهنگ مدرگرایی باشد؛ زیرا مروجین چنین فرهنگی، بیشتر اوقات پای بند به ارزش‌ها نیستند. علاوه بر این که مدرگرایی، موجب چندبعدی شدن انسان نیز نمی‌شود؛ بلکه انسان، خود را آلت دست افرادی سودجو قرار داده است. چند بعدی شدن انسان، به این معناست که انسان از جنبه‌های مختلف علمی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، رشد کند و از زمان خودش، عقب نماند؛ مثلاً اگر روزی

کامپیوتر و نهضت نرم‌افزاری حاکم بر همه‌ی فعالیت‌های انسان می‌شود، او نیز در حد توان خود و متناسب با رشته‌ی تحصیلی و نوع شغلی که دارد، با این تکنولوژی آشنا و از آن استفاده می‌کند و در سایر پیشرفت‌های علمی یا هنری نیز این گونه است.

چند بعدی شدن انسان، این است که اگر یک ستاره‌ی سینما فلان رفتار را انجام داد، فردای آن روز همه‌ی افراد مثل او رفتار کنند. این تقلید کورکورانه است و نه تنها انسان را چند بعدی نمی‌کند، بلکه به انحطاط نیز می‌کشاند؛ زیرا بسیاری از این به ظاهر ستاره‌های سینمایی یا ورزشی، یا تابع ارزش‌های الهی نیستند و یا حتی برخلاف آن‌ها حرکت می‌کنند بنابراین، چگونه می‌شود انسان هم پایبند به ارزش‌ها باشد و هم دنباله‌رو گوهایی باشد که در جهت خلاف ارزش‌ها حرکت می‌کنند. بنابراین، چند بعدی شدن، مستلزم این است که ما گوهایی را انتخاب کنیم که از هر جهت، شایستگی الگو بودن را داشته باشند و آن‌ها جز انتم علم اسلام نیستند؛ زیرا آن‌ها با اسلام ناب آشنا هستند و به تأثیر زمان و مکان و شرایط اجتماعی نیز آگاه بودند. از این رو، همراه با زمان حرکت می‌کردند و هیچ‌گاه از زمان خود عقب نبودند و به همین جهت، نوع لباسی که امام علی(ع) می‌پوشیدند، با نوع لباسی که امام صادق(ع) می‌پوشیدند، فرق داشت؛ یعنی آن‌ها متناسب با زمان خود و با توجه به شرایط

جامعه، لباس می‌پوشیدند و هر دو مطابق با احکام الهی رفتار می‌کردند. بنابراین، شما باید در همه‌ی ابعاد زندگی، پیشرفت داشته باشید و در وضعیت ظاهری هم همان طور که اسلام گفته، همواره آراسته باشید و از مد هم تا آن جا که با اسلام منافاتی ندارد، استفاده کنید؛ اما پیرو کورکورانه‌ی مد نباشید. علاوه بر این، راهکارهای علمی نیز را در رسیدن به مقصود دنبال کنید:

۱- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۲- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۳- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۴- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۵- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۶- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۷- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۸- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۹- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

۱۰- با مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی مسائل اعتقادی،

که آن‌ها می‌خواهند؛ آن‌ها می‌گویند چه چیز برای تو خوب است و چه چیز بد؟ آن‌ها می‌گویند به چه چیز باید بیندیشی و به چه چیز نه؟ و مهم‌ترین مولفه‌ی این را که از تو باز می‌ستانند همین اندیشه و تفکر است؛ قدرت اندیشه‌ات را به آنان حواله می‌دهی و به کالایی تبدیل می‌گردد که همه چیز در آن یافت می‌شود جز اندیشه و نقد؛ از آن چه ماهیت جسمانیست را می‌پوشاند تا آن چه که ذهن‌ات را می‌سازد و در این زمان است که تو به مصرف کننده‌ی این برای کالاهای آنان تبدیل شده‌ای.

زمان می‌گذرد و تو همچنان گمان می‌کنی که در ابتدای راهی در حالی که از انتهای زمان بوندت، هنگامه‌ای بسیار گذشته است و آنی بیشتر نمانده؛ حال

زمان رفتن است ولی دیگر قطاری در کار نیست و این تو هستی که زمان بوندت به پایان رسیده و در حال رفتن به دینای فراق از ماده هستی، اما حتی هنوز نتوانسته‌ای به مرگ بیندیشی و خود را بشناسی؛ چرا که آن تصاویر مهلت و زمان را اندیشه‌ی تو از تو ربوده‌اند و با

اندکی زمان، حال تو در انتهای ابتدای راهی هستی که به این آگاهی رسیده‌ای ولی دیگر زمان را از دست داده‌ای.

این حکایت جعبه‌ی تلویزیون در خانه‌های ماست که به عنوان

قبله‌گاه جدید در دنیا مدرن، انسان را چنان به خود مشغول ساخته که از زیستن و اندیشیدن باز می‌دارد. به اکثر منازل دوست

و آشنا که ورود می‌کنی همه‌ی آن‌ها چنان میلمان خانه‌هایشان را

بیهوده جلوه‌گیری می‌کند.

۸- در انجام فرایض دینی، مانند نماز اول وقت و پرهیز از گناه، جدی باشید.

۹- علاوه بر معاشرت با افراد با شخصیت، الگوهای مناسبی در میان جوانان موفق پیدا کنید و با آن‌ها رابطه‌ی درستی برقرار کنید.

مدگرایی از دیدگاه اسلام

رسالت اسلام به عنوان یک مکتب کامل الهی، پاسخ‌گویی صحیح به تمام خواسته‌های فطری و نیازهای اصیل انسانی است. بر این اساس، در مجموعه‌ی تعالیم اسلامی - مانند آیات قرآن - به مسئله زینت و زیبایی، توجه خاصی شده است. از تأمل در این بخش از معارف اسلامی، چند اصل مربوط به موضوع خودآرایی و زینت به دست می‌آید که عبارتند از:

۱- حس زیبایی، یکی از ویژگی‌های مخصوص انسان است که ریشه در فطرت او دارد و به اقتضای این امر، انسان از دیدن هرگونه زیبایی، لذت می‌برد. بی تردید، منشاء تمام هنرهای انسانی، همین حس است که در هر دوره موجب به وجود آمدن دستاوردهای ارزشمند هنری می‌شود. بنابراین، استعداد و درک زیبایی، از مواهب به ودیعت نهاده شده در وجود انسان است که به برکت آن، او قادر است از طریق مطالعه و تأمل در ظرافت‌های زیبایی نظام آفرینش، زمینه‌ی کمال روحی و معنوی خود را فراهم سازد.

۲- خودآرایی و زینت، به عنوان بخشی از حس زیبایی، نه تنها آثار بسیاری در روح و روان فرد دارد، بلکه موجب تعالی و رشد افراد جامعه نیز می‌شود و درم قابل، پرهیز از خودآرایی، پریشانی و زولیدگی، چون با خواست فطری انسان در تعارض است، به تدریج، اثراتی منفی در روان او برجای می‌گذارد که افسردگی روحی، عدم تعادل روانی، بی‌توجهی به نعمت‌ها، سرکوبی علائق طبیعی و... از این امور می‌باشد.

از آن جا که این امور، به سلامت زندگی فرد و نظام اجتماعی، زیان‌های جبران‌ناپذیری متوجه می‌سازند، لذا در احکام اسلامی، به شیوه‌های مختلفی، با این گونه رفتارها مقابله شده است؛ برای مثال، در سیره اولیای الهی، همواره با این منطبق غلط ناآگاهان که پرهیز

از خودآرایی را دلیل وارستگی از قید نفس و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی به حساب می‌آوردند، به طور جدی برخورد شده است؛ زیرا این کار علاوه بر این که نفرت دیگران را فراهم می‌آورد، با اصل عزت نفس و کرامت و منزلت انسانی، هم خوانی ندارد. امام علی(ع) می‌فرماید: «خودآرایی، از ویژگی‌های خاص انسان‌های مؤمن است.»

۳- در رهنمودهای پیشوایان اسلام در مورد خودآرایی، به موارد زیادی تصریح و تأکید شده است؛ لباس تمیز و آراسته، شانه کردن موی سر و صورت، نظافت بدن، خوش بو کردن بدن و لباس‌ها، پرهیز از کارهایی که دون شأن انسان مؤمن است.

۴- هر چند اسلام توصیه به خودآرایی دارد، اما هرگز این امر را منحصر به زینت ظاهر نمی‌کند؛ بلکه آراستگی به فضایل معنوی و اخلاقی را - که زمینه‌ساز سعادت

و کمال روحی او هستند - مهم‌تر از آراستگی ظاهر می‌شمارد. به عبارت دیگر، اسلام با تعالیم حیات بخش خود، نخست به اعتدال در اخلاق و فضیلت‌های روحی می‌پردازد و پیروان خود را به درک زیبایی‌های ماورای عالم ماده، زهنمون می‌کند و آنان را از گرفتار شدن در سطحی نگری در این مسئله، نجات می‌بخشد و در عین حال، تلاش می‌کند که افراد، فقط به زینت ظاهری

جسم و محیط زندگی خود نپردازند و از اشاره به چنین واقعیتی، امام علی(ع) می‌فرماید: «زینت درونی، از زینت ظاهر، بسیار زیباتر است.» چون هم از نظر تأثیر و هم از نظر ماندگاری، در کمال حقیقی انسان، مؤثرتر است.

۵- هرچه در مجموعه تعالیم اسلامی، به خودآرایی توصیه و تأکید فراوان شده است، اما به جهت در امان ماندن از عوارض منفی افسراط و تفریط در خودآرایی و مدرگرایی، حدود و چارچوب خاصی نیز برای آن تعیین شده است؛ برای مثال، تأکید شده که وسیله خودآرایی یا محیط آرای، باید حلال باشد؛ از راه مشروع تهیه شود؛ سبب اسراف در سرمایه‌ها و استعدادهای نباشد؛ از هرگونه شائبه تجمل پرستی و خودنمایی به دور باشد؛ به گونه‌ای نباشد که زمینه‌ساز تحریک هواهای نفسانی و امیال جنسی دیگران را فراهم کند؛ به صورت تقلید کورکورانه از دیگران انجام نگیرد و به طور کلی، از بررسی تعالیم اسلامی، چنین به دست می‌آید که اسلام، نه تنها خودآرایی را منع نمی‌کند، بلکه به شیوه‌ی معقول و منطقی، بر آن تأکید می‌ورزد و در عین حال، همیشه از افراط و تفریط در هر چیزی منع می‌کند.



منبع: نشریه دانشجویی پرسمان

چیده‌اند که به سمت و سوی این جعبه‌ی جادویی باشد گویی قرار است کتاب مقدس دوباره از آن زاده شود.

نویسنده: سیداحمد حسینی، ارشد فلسفه غرب



در حال حاضر تفاهم نامه و لغو تحریم ها از سوی بسیاری از کارشناسان یک مساله حاشیه ای تلقی می شود و آنچه که در حال حاضر اهمیت دارد «حق غنی سازی ایران» در این تفاهم است.

حقی که به طور معمول اهمیت فوق العاده ای داشت، حالا و برخلاف انتظار محصول تفاهم نامه ژنو آن شده که از یک طرف وزیر خارجه ایران می گویند ما بر سر برخورداری ایران از حق غنی سازی به تفاهم رسیدیم و هم زمان وزیر خارجه آمریکا بالکل منکر پذیرش چنین حقی برای ایران در تفاهم نامه مزبور می شوند!

زیرا اگر تفاهم نامه منجر به پذیرش «حق غنی سازی ایران» شود به آن معناست که قطعنامه های سازمان ملل که تا پیش از این بر اساس عدم به رسمیت شناختن حق ایران تنظیم و اعمال شده بود، بی اساس می گردد و علاوه بر آن یک سند و پیروزی تاریخی بزرگ برای ملت ایران محسوب می شود.

جان کری در مصاحبه خود که بعد از محمد جواد ظریف بود به امضای تفاهم نامه ای اشاره کرد که عین عبارت تفاهم نامه در رابطه با مسائل مربوط به حق غنی سازی ایران



زندگی مجردی سبک جدید برای زندگی

زندگی مجردی زندگی افرادی با خانواده های مستقل است که بنا به تعریف آماری، ازدواج نکرده اند و طلاق گرفته نیز نیستند، ولی شیوهی زندگی مجردی را برای خود انتخاب کرده اند.

این نوع از زندگی در حال افزایش بین جوانان و عرفی شدن در جامعه است؛ طوری که اگر زمانی مردم در گوشی و آهسته از زندگی مجردی حرف می زدند و به خاطر ناهنجار بودن این پدیده، کسی حاضر نبود خانه اش را به دختر یا پسر مجرد اجازه دهد، اما امروز در بسیاری از آگهی های اجاره ای آپارتمان های کوچک، داخل کادرهای کوچک قید می شود: «حتی به مجرد»

امروز با تبلیغات نامحید رسانه ای از الگوی صحیح زندگی جوان، آموزش ها و تبلیغات محیطی و غیر محیطی، نگاه به زندگی تغییر یافته است. مدام بر طبل تفکر استقلال طلبی جوانان کوبیده می شود؛ حسی که هر چند بسیار ارزشمند و از الطاف الهی است، لیکن به سبب تفسیر نادرست از استقلال طلبی و سمت و سو دادن ناصواب بدان، الگوی نامناسبی از سبک زندگی را برای جوانان، در حال رقم زدن است.

هم اکنون بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، حدود ۷/۱ درصد خانواده های ایرانی به صورت مستقل و تک نفره زندگی می کنند. طبق این نتایج، نسبت به پنج سال گذشته، تعداد کسانی که به تنهایی زندگی می کنند و خانواده محسوب می شوند حدود دو درصد افزایش داشته است.

نتیجه اینکه دیگر برخی از جوانان دوست ندارند والدین شان در مقابل برخی رفتارها، آن ها را مورد مؤاخذه، نصیحت و یا حتی مصاحبت در حد پیشنهاد قرار دهند و لذا برخی از آن ها آزادی و به عبارتی بی قیدی خود را تهدیدشده قلمداد می کنند. لذا از کانون گرم خانواده جدا شده و به زندگی انفرادی روی می آورند.

هم اکنون بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، حدود ۷/۱ درصد خانواده های ایرانی به صورت مستقل و تک نفره زندگی می کنند. طبق این نتایج، نسبت به پنج سال گذشته، تعداد کسانی که به تنهایی زندگی می کنند و خانواده محسوب می شوند حدود دو درصد افزایش داشته است. بر مبنای گزارش سازمان ملی جوانان در سال ۸۹ تعداد سی درصد از جوانان فاش کلان شهر تهران، مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز و اهواز، زندگی مجردی دارند. نیز آمار وزارت ورزش و جوانان هم در سال ۱۳۹۱ نشان می دهد درصد دخترانی که در خانه های مجردی زندگی می کنند افزایش یافته است. همچنین همین وزارتخانه اعلام کرده است در شش کلان شهر تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز، سیدرصد جوان ها زندگی مجردی دارند. ۲

افرادی که زندگی مجردی را انتخاب کرده اند، تمایل به تشکیل خانواده و داشتن فرزند نخواهند داشت، بنابراین در درازمدت ممکن است رفتار پدیده هایی چون اعتیاد، خودکشی و روابط نامشروع و انواع و اقسام بی بندوباری شوند؛ چرا که از خانواده به عنوان یکی از ابزارهای کنترل اجتماعی دورند. همچنین زندگی مجردی می تواند به افزایش هزینه های زندگی و تحمیل هزینه ها به جامعه منجر شود. تحقیقات نیز نشان داده مجردها آسیب پذیر ترند و هزینه ی بیشتری را به جامعه تحمیل می کنند. ۳

جریان شناسی فرهنگی پدیده زندگی مجردی

رصد تحولات فرهنگی در موضوع مورد نظر، به این نکته رهنمون می سازد که هر چند تعداد افرادی که زندگی مجردی را انتخاب نموده اند چندان زیاد نیست و بخش عمده ای از آن حاصل بزرگنمایی رسانه ای است، لیکن آنچه قابل توجه است اولاً روند صعودی آمار مربوط به زندگی مجردی و افزایش کمی آن هاست و در ثانی، مسئله ی مهم (که موضوع این گزارش است) سمت و سوی حرکت و جهت گیری موجود رسانه ها، اعم از مکتوب و تصویری و... در موضوع مورد نظر به سمت قبیج زدایی، عادی سازی و در نهایت القای ضرورت و نیاز جامعه ی در حال پیشرفت و خصوصاً جوانان چنین جامعه های به چنین پدیده ای است.

جالب اینکه مطالب عرضه شده در رسانه ها (که به لحاظ کیفی از تنوع بالایی هم برخوردارند) جهت گیری شان صرفاً سلبی و نفی کننده و مذموم شمردن این پدیده نیست، بلکه تعداد قابل توجهی از آن ها با مطرح نمودن و به نمایش گذاشتن عینی یا غیرعینی از افرادی که دارای زندگی مجردی موفق؛ از نظر خودشان هستند و مشکلات مورد ادعای مخالفان را ندارند، به توجیه و ترویج این مسئله دامن می زنند. نمونه هایی

در مورد حق غنی سازی حق با ظریف است یا جان کری؟

را "clear reference that enrichment will continue" ذکر کرده است که این عبارت بمعنای «استناد صریح به ادامه غنی سازی» است. در صورتی که مطلوب ایران در این مذاکرات "Irans Enrichment Right under NPT" به معنای «حق ایران به غنی سازی بر اساس آن پی تی» بود. حتی تا جایی که برخی منابع اعلام کرده بودند که ظریف در صورت عدم گنجاندن این حق در تفاهم نامه ژنو حق امضای آن را نداشته است.

این به آن معناست که امضای این تفاهم نامه پایان راه نیست و بلکه آغازی است که میتواند به توضیح حق ملت ایران و یا احقاق حقوق مردم منجر شود و همه این ها بستگی به تلاش های بعدی ایران دارد. طرف ایرانی باید بتواند عبارت بیشترین بهره برداری را در مراحل بعدی داشته

رونق زندگی های مجردی در محله های جنوبی کلان شهرها (پراکنندگی جغرافیایی)

مطابق اعلام مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران، در بافت های فرسوده ی جنوب تهران، میزان زندگی مجردی افزایش یافته است؛ افزایشی که ارتباط مستقیم با افزایش آسیب های اجتماعی، ناامن شدن محیط و رشد جرایم دارد.

علل و زمینه های افزایش زندگی مجردی در بافت های قدیمی و پایین شهر کلان شهرها را شاید بتوان چنین تحلیل کرد:

۱. در محله های جنوبی کلان شهرها، قیمت ها پایین تر است و بافت زندگی به گونه ای است که جوانان به تنهایی و راحت تر پذیرفته می شوند. البته در شمال شهرها نیز افراد خیلی همسایه مدار نیستند و کاری به هم ندارند؛ اما هزینه های بالای زندگی در آن محله ها باعث می شود بیشتر زندگی های مجردی در جنوب شهر شکل بگیرد.
۲. در این مناطق، به دلیل بافت متراکم، حتی یک اتاق با حداقل قیمت قابل دسترسی است و در اکثر موارد صاحب خانه ها به شرط گرفتن اجاره، کاری به کار مستأجر جوان خود ندارند. این وضع باعث می شود که بسیاری از جوانان به آسانی درگیر بسیاری از آسیب های اجتماعی شوند. ۷ رصد تحولات فرهنگی در موضوع مورد نظر، به این نکته رهنمون می سازد که هر چند تعداد افرادی که زندگی مجردی را انتخاب نموده اند چندان زیاد نیست، لیکن روند صعودی آمار مربوط به زندگی مجردی و سمت و سوی حرکت و جهت گیری موجود رسانه ها، اعم از مکتوب و تصویری و... در موضوع مورد نظر به سمت قبیج زدایی و در نهایت القای ضرورت و نیاز جامعه ی در حال پیشرفت و خصوصاً جوانان چنین جامعه ای به چنین پدیده ای است.

دلایل رونق زندگی مجردی

کارشناسان برای رشد و رونق گرفتن زندگی های مجردی علل و عواملی را (چه صحیح و چه قابل تأمل) برشمردند که برخی از موارد مهم آن ها عبارت است از:

۱. کشش زندگی شهری و جاذبه های مخصوص آن یکی از علل است؛ در جامعه ی فعلی و در شهرهای بزرگ، جاذبه های فراوانی وجود دارد که جوانان را به طرف خود می کشاند. جوانانی که از کانون گرم خانواده دور شده و در اغلب موارد، چاره ای جز تن دادن به زندگی مجردی ندارند.
۲. آنجایی که بیشتر خانواده ها حتی در شهرهای بزرگ بافت سنتی دارند، به مقابله با تمایلات و علایق جوانان برمی خیزند که همین موضوع سبب می شود فرد جوان در جست و جوی راهی برای رسیدن به تمایلات و علایق خود باشد؛ از این رو، تصمیم به جدایی از خانواده می گیرد و به منظور کسب آرامشی که در ذهن خود آن را تصویر می کند، به زندگی مجردی روی می آورد. جوان به آرامش خیال و احترام در خانواده نیاز دارد. جوانان همواره از اینکه به عقاید و افکارشان احترام گذاشته نمی شود گلایه مندند.

۳. توقعات بالا، داشتن انواع و اقسام امکانات، داشتن خانه و خودرو، از جمله آرزوهایی است که جوانان امروزی به دنبال آن ها هستند و خیلی از جوانان با همین آرزوها از خانواده جدا می شوند و همین توقعات موجب شده که دیگر جوانان امروزی نتوانند با خانواده زندگی مسالمت آمیز داشته باشند.

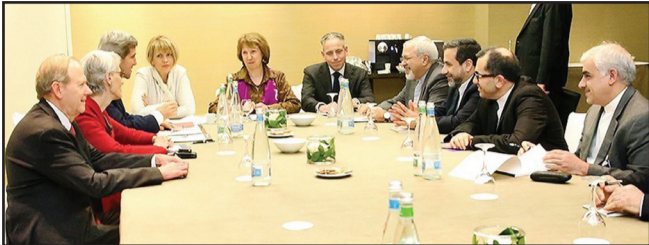
۴. جوان به هر اندازه که بزرگ تر می شود، میل به استقلال نیز در او تشدید می شود و همین، پدر و مادرها را نگران می کند؛ به گونه ای که فرزندان جبهه گیری می کنند و می گویند: پدر و مادرها به ما اعتماد ندارند. بنابراین برای اثبات این موضوع که من هم می توانم مستقل و به دور از پدر و مادر زندگی کنم، به زندگی مجردی روی می آورم.

۵. سبک زندگی والدین و جوانان متفاوت است و فرزندان دوست دارند به گونه ای دیگر زندگی کنند. تمایل دارند رفت و آمدهای خاص خود را داشته باشند. تپ خاصی داشته باشند و فلان لباس را بپوشند. حتی در درون خانواده نیز چه بسا جوان و نوجوان تمایل دارد با دوستان خود بنشیند، موسیقی گوش دهد و با آن ها در خانه بگوید و بخندد، اما پدر و مادرها همکاری نمی کنند و بعضی موضوعات را نمی پذیرند؛ مثلاً تذکر می دهند که صدای ضبط شان بلند نکند یا با صدای بلند نخندد و... در واقع گاهی رفتارهای والدین با فرزندان باعث می شود که آنان به فکر جدایی از خانواده ی خود باشند.

۶. بعضی خانواده ها به جای توجه به حرف و خواسته ی عضو جوان خود و به جای برخورد منطقی و گفت و گو با این عضو، با وی به مجادله می پردازند و در مقابل جوان قرار می گیرند. در واقع تحقیرها، سرکوفت ها و بی توجهی به برخی علایق و خواسته های جوانان و نبود گفت و مان سازنده بین والدین و فرزندان زمینه های فرار فرد را از محیط خانواده و انتخاب زندگی مجردی فراهم می کند. ۸

۷. رواج تفکر فرزندسالاری و این ایده که فرزند هر چه دلش خواست می تواند انجام دهد و هیچ قیدوبندی برایش نیست، درست مثل همان چیزی است که در زندگی غربی و برای فرزندان و جوانان متصور است. در این تفکر، پدر و مادر از هیچ جایگاه اخلاقی و احترام و قداستی برخوردار نیستند و تحت هیچ شرایطی حق برخورد با رفتارهای فرزندانشان را ندارند؛ ولی در تفکر دینی، پدر و مادر هدیه های بزرگ خداوند به فرزندان هستند و فرزندان تحت هیچ شرایطی نباید موجب ناراحتی شان را فراهم آورند. در این تفکر، در کنار پدر و مادر بودن و ننگه به چهره ی آن ها، عبادت و سبب تقرب به خوبی ها و فضایل و خداوند است.

گفتنی است برخی از دلایل مذکور از نظر نگارنده دلیل مورد قبولی نیستند، هر چند مورد ادعای برخی طرفداران و توجیه کنندگان زندگی مجردی هستند. لذا مذمت و تقیح یک پارچه ی سبک زندگی سنتی و قائل به نسبیست بودن در مورد تمام حوزه های سبک زندگی جوانان، تقدس دادن به حس استقلال طلبی به هر شکل آن و توجیه زندگی مجردی تحت عنوان حس استقلال طلبی و مانند آن، دلایل درستی به شمار نمی روند و شاید تحت تأثیر هجوم فرهنگ غربی، زیاده خواهی ها و خودخواهی های بسیاری از جوانان باشد که سبب شده آنان خانواده را مزاحم کار خود تلقی کنند و کوچک ترین خرده گیری از طرف آن ها را بر نتابند. میل به آزادی های لجام گسیخته فردی فزونی گرفته و متأسفانه برخی جوانان تفسیر دیگری از آزادی دارند و می خواهند آن را به همه ی



باشد و گفته می شود که اگر طرف ایرانی بتواند این عبارت را در شورای امنیت سازمان ملل به عنوان حق ایران به اثبات برساند، پس به طور طبیعی قطعنامه های سازمان ملل علیه ایران باید لغو شده و پرونده ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی باز خواهد گشت.

منبع: mehrabnews

امور گسترش دهند. بنابراین وقتی خانواده مانع آن ها می شود، برای نیل به مقاصد خود، از محیط خانواده جدا می شوند. به هر حال، حتی آنانی هم که زندگی مجردی را قدمی در راستای تحقق استقلال طلبی به شمار می آورند بر این باورند که زندگی مجردی در درازمدت، اگر تحت نظارت قرار نگیرد، به یک آسیب جدی برای جامعه تبدیل خواهد شد؛ چرا که پیوندهای اجتماعی را که ضامن استحکام روابط خانوادگی و اجتماعی است از هم می گسلد و فردگرایی لجام گسیخته جای آن را می گیرد. ۹

راهکار اصلی

راهکار عمده و اصلی در این قضیه همان بحث فرهنگ سازی و البته با همکاری تمام نهادهای فرهنگی است. بایستی تمام رسانه ها در جهت نمایش مضرات این پدیده ی شوم، در حد توان خود کام برآزاند و از هر گونه اقدامی که نتیجه ی آن، تأیید، ترویج یا حتی عادی سازی این مسئله در آذهنان افراد جامعه باشد به شدت اجتناب شود. رسانه ها می توانند با تقبیح زندگی های مجردی داوطلبانه و نمایش مضرات و تبعات منفی این نوع از زندگی، با حساس نمودن جامعه درباره ی شکل گیری خانواده های تک نفره، از گسترش این نوع زندگی جلوگیری کنند.

البته آن روی سسکه هم بایستی در این امر مورد توجه باشد؛ بدین معنی که لازم است رسانه ها از نمایش منافع و فواید و مثبت جلوه دادن زندگی جمعی در کانون گرم خانواده (چه خانواده ی پدری و چه خانواده ی مستقل شخصی به همراه همسر و فرزندان) به هیچ وجه فروگذار نباشند. انتظار می رود همچنان که این روزها بچه دار شدن به نحای مختلف مورد ترویج و تحسین واقع می شود، در زمینه ی ازدواج و تشکیل خانواده نیز این تشویق ها صورت گیرد. به دلیل آنکه زندگی مجردی بر سن ازدواج می افزاید، وقتی نتوان شرایط تشکیل زندگی مشترک را برای جوانان فراهم کرد، به دلیل طولانی شدن دوران تجرد و بالا رفتن سن ازدواج، این امر باعث می شود در موقعیتی برای گیرند که احساس کنند سربار خانواده ها هستند. لذا همه ی جوانان برای خوش گذرانی زندگی مجردی را انتخاب نمی کنند. گاهی اوقات شرایطی پیش می آید که جوانان مجبور هستند این نوع زندگی را انتخاب کنند. باید پسران و دختران جوان به تشکیل زندگی مشترک تشویق شوند و البته امکانات، تسهیلات و بسترهای لازم نیز برایشان مهیا و فراهم شود. اگر زندگی جوانان به شکل مناسبی شکل گرفته و با تداوم لازم همراه باشد، حتماً بچه هم به آن اضافه خواهد شد.

به نظر می رسد آنچه گفته شد، راهکار عمده در این مسئله باشد و در رابطه با اینکه آیا بهتر نیست محدودیت هایی در جامعه اعمال شود یا خیر، باید گفت نباید با اتخاذ چنین رویکردهایی، صورت مسئله را پاک و با ایجاد فضای ناامن، قصد حل نمودن مسئله را داشت. اینکه سیاستی اتخاذ شود که به مجردها خانه ندهند و سخت گیری بیشتر شود، در درازمدت بی فایده است و نیاز به فکری جدی دارد.

در همین راستا، برخی راهکارهای کلی نیز عبارتند از: بهبود شرایط اقتصادی جامعه و فراهم شدن شرایط ازدواج جوانان، بومی گرینی در دانشگاه ها، در اولویت قرار گرفتن پسران جوان در سیاست های شغلی، ضابطه مند شدن اجاره دادن منازل، به مجردها، فرهنگ سازی در جامعه و آموزش نحوه ی رفتارها در خانواده ها، آموزش حس تعاون، همدلی، صحت و درک خانواده ها و...

نیز به عنوان راهکار عملی قابل ذکر است که بخش اعظم خانه های مجردی به خانه های دانشجویی اختصاص دارد. این خانه ها اغلب به دلیل عدم ارائه ی خوابگاه از سوی دانشگاه ها به دانشجویان غیربومی ایجاد شده است. افزایش حجم دانشجویان و همچنین تعداد دانشگاه ها و مجتمع های آموزشی عالی که با عناوین مختلف از جمله دانشگاه های آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی، علمی کاربردی و پردیس فعالیت می کنند و معمولاً هم فقط مجتمع کوچک آموزشی را شامل می شوند و توان ارائه ی خوابگاه ندارند، این معضل را تشدید کرده است. حتی دانشگاه های مادر نیز که تا چند سال پیش اغلب به تعداد مورد نیاز، خوابگاه در اختیار داشتند، اکنون با مشکل ارائه ی خوابگاه مواجه شده اند که البته در این دانشگاه خوابگاه های خودگردان با نظارت دانشگاه در اختیار دانشجویان قرار می گیرد. در چند سال اخیر، رویکرد آموزش عالی در کشور افزایش کمیت بوده است و دانشگاه ها در حال رقابت برای افزایش آمار دانشجویانشان بوده اند، بدون اینکه به سایر امورات دانشجویانشان توجه کنند.

بر همین اساس، مسئولان دانشگاه ها بایستی در صورت عدم امکان ارائه ی خوابگاه، حداقل شرایطی را فراهم کنند تا محل اقامت دانشجویان آن ها با استفاده از کارشناسان مجرب، مورد نظارت و کنترل قرار بگیرد. مسئولان باید به بحث افزایش خانه های مجردی به دلیل افزایش تعداد دانشگاه هایی که توان ارائه ی خوابگاه ندارند، توجه کنند.

در پایان ذکر این نکته را لازم می دانم که باید از ترویج نگاه منفی و برجسب زدن به جوانانی که به دلایل شغلی یا تحصیلی در خانه های مجردی ساکن هستند، جلوگیری شود؛ چون این امر خود می تواند منشأ آسیب های دیگر باشد. (*)

- ۱. به گفته ی کارشناسان، خانه های مجردی می توانند آسیب های متعدد اجتماعی و روان شناختی در پی داشته باشند و در صورت نبود نظارت لازم، خانه های مجردی و دانشجویی می توانند منشأ آسیب های اجتماعی باشند.
- ۲. تحلیل روزنامه ی خراسان از نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، گزارش سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۹ و آمار وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۳۹۱.
- ۳. «زندگی مجردی» تهدید جدید برای جامعه: http://www.۲۸۸۵۷۱/tabnakir/fa/news
- ۴. افزایش علاقه ی دختران ایرانی به زندگی مجردی: ۵۷۵/tanin/jahanezan.wordpress.com
- ۵. زندگی مجردی دختران: خوب یا بد؟: http://www.۱۶۹۰۹۷/kuhabaronline.ir/detail
- ۶. افزایش علاقه ی دختران ایرانی به زندگی مجردی: ۵۷۵/tanin/jahanezan.wordpress.com
- ۷. رواج زندگی مجردی تیشه بر ریشه ی ازدواج می زند: http://www.۹۵۲۳۱/qdianus.com/?p=
- ۸. «زندگی مجردی» تهدید جدید برای جامعه: http://www.۲۸۸۵۷۱/tabnakir/fa/news
- ۹. همان.

- ۱. به گفته ی کارشناسان، خانه های مجردی می توانند آسیب های متعدد اجتماعی و روان شناختی در پی داشته باشند و در صورت نبود نظارت لازم، خانه های مجردی و دانشجویی می توانند منشأ آسیب های اجتماعی باشند.
- ۲. تحلیل روزنامه ی خراسان از نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، گزارش سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۹ و آمار وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۳۹۱.
- ۳. «زندگی مجردی» تهدید جدید برای جامعه: http://www.۲۸۸۵۷۱/tabnakir/fa/news
- ۴. افزایش علاقه ی دختران ایرانی به زندگی مجردی: ۵۷۵/tanin/jahanezan.wordpress.com
- ۵. زندگی مجردی دختران: خوب یا بد؟: http://www.۱۶۹۰۹۷/kuhabaronline.ir/detail
- ۶. افزایش علاقه ی دختران ایرانی به زندگی مجردی: ۵۷۵/tanin/jahanezan.wordpress.com
- ۷. رواج زندگی مجردی تیشه بر ریشه ی ازدواج می زند: http://www.۹۵۲۳۱/qdianus.com/?p=
- ۸. «زندگی مجردی» تهدید جدید برای جامعه: http://www.۲۸۸۵۷۱/tabnakir/fa/news
- ۹. همان.

به کوشش سمانه قیصری

نگاه سینمایی بقچه



دریند را باید دید...

با رفتار رازآلودش، گویی می‌خواهد نقش کلیدی‌اش را در حل بحران نازنین به ما یادآوری کند. جزئیات فنی فیلم نیز همه در خدمت قصه‌اند. دوربین در بیان حس و حال نازنین بهترین رفتار را دارد. برای مثال از حرکت دوربین در راه‌پله‌های دفتر صدور ویزا می‌توان یاد کرد که سرگشتگی و بی‌پناهی مطلق نازنین را به بهترین شکل تصویر می‌کند.

بحران آهسته‌آهسته رخ می‌نماید و ناگهان کامل می‌شود. حضور زارعی در خوابگاه نازنین، ضربه نهایی است. و درست در همین‌جا که گویی هیچ نقطه امید نمی‌ماند است، ورق برمی‌گردد و همه چیز دیگرگون می‌شود. اتفاقی ساده، پاره کردن سفینه‌ها، و بعد اتفاقی ساده‌تر، تصادف و مرگ پسر، در یک لحظه همه چیز را تمام می‌کند. اتفاقی معجزه‌وار، که گویی پادشاه مهربانی ساده‌دلانه نازنین است.

«دریند» را باید دوباره و چندباره دید، و دیدنش را به همه آن‌ها که در این آشفته‌بازار در پی سینمایی درست و دقیق و اصولی‌اند، توصیه کرد.

را امضا کند، که امضا کردن‌شان چیده شدن تکه آخر بازل بحران است. همین جزئیات، بی‌هیچ تأکید زانندی، یا درست‌تر بگوییم، بی‌هیچ اهانتی به شعور مخاطب، ذره‌ذره سیر شخصیت‌پردازی را کامل می‌کنند. شخصیت‌پردازی، فراتر از الگوهای کلاسیک، همزمان با پیشرفت قصه تکمیل می‌شود. جسارت فیلم‌ساز در این سیر موازی تا آن حد است، که یکی از مؤثرترین کسان در قصه (فرزند زارعی) را، تنها در آخرین لحظات فیلم می‌شناسیم.

شخصیت‌های فرعی فیلم، در همان حد که باید معرفی شوند، معرفی می‌شوند. نه آنقدر برجسته‌اند که توجه را از سیر اصلی ماجرا منحرف کنند، و نه آنقدر گنگ و مبهم می‌مانند که بود و نبودشان یکسان جلوه کند. فیلم‌ساز با درایت کامل، جغرافیایی دقیق از روابط انسانی را پیرامون نازنین ترسیم می‌کند که تمام شخصیت‌هایش در سیر آرام قصه نقش دارند؛ حتی پیرزن همسایه، که حضور مهربانش در فضای ناامن و پیچیده ساختمان، تنها نقطه روشن آن جغرافیا است. و آن پسر مجنون‌وار - که در انتها می‌فهمیم فرزند زارعی است - از همان ابتدا

سر وقایع آن قدر منطقی و دقیق پیش می‌رود، که برای تشریح بحران، هیچ نیازی به کمک گرفتن از کلمات نیست. کلمات فیلم، همان وقایعی هستند که پیش می‌آیند.

نازنین، دختر ساده شهرستانی که برای تحصیل در رشته پزشکی به تهران آمده، و نتوانسته مجوز اسکان در خوابگاه را به دست بیاورد، با دختری همخانه می‌شود که شیوه زندگی‌اش، از زمین تا آسمان با او تفاوت دارد. این تفاوت، که زمینه‌ساز بحران است، با نمایش اتفاقاتی تعریف می‌شود که در ادامه داستان رخ می‌دهند، بی‌آنکه تأکیدی زائد بر وجود تفاوت، سیر منطقی قصه را مختل کند. شخصیت نازنین نیز، از پس همین اتفاقات است که برای مخاطب روشن و روشن‌تر می‌شود. سادگی‌اش از رفتارش پیداست. احتیاط منطقی‌اش را در ترسش از امضا کردن هر ورقه‌ای می‌بینیم. مهربانی‌اش، پس از آن قهر و آشستی یک‌شبه با سحر معلوم می‌شود. مهربانی‌ای که در ادامه موجب می‌شود، دختری که از امضای یک رسید ساده ابا داشت، برای نجات دوستش از محصنه، سفته‌هایی



امید مهدی نژاد - سینما انقلاب

دریند، فیلمی دقیق و حرفه‌ای است. فیلمی که هیچ عجله‌ای برای پیش راندن قصه ندارد، و البته سر وقایع آن قدر منطقی و دقیق پیش می‌رود، که برای تشریح بحران، هیچ نیازی به کمک گرفتن از کلمات نیست. کلمات فیلم، همان وقایعی هستند که پیش می‌آیند.

پرویز شهبازی، نویسنده و کارگردان گزیده‌کار و خلاق سینمای ایران، بار دیگر - و البته همان‌طور که انتظار می‌رفت - با فیلمی دقیق و تأثیرگذار، به میدان آمده است. فیلمی که اگرچه با شاهکاری مثل «نفس عمیق» فاصله‌ها دارد، اما در جایگاهی برتر از فیلم خوب «عیار ۱۴» می‌ایستد و البته این کارنامه سرشار کماکان نشان می‌دهد صاحب هنوز حرف‌ها برای گفتن دارد.

دریند، فیلمی دقیق و حرفه‌ای است. فیلمی که هیچ عجله‌ای برای پیش راندن قصه ندارد، و اجازه می‌دهد وقایع، با سرعتی آرام و سر صبر اتفاق بیفتند و بحران، مثل تکه‌های پازلی که کنار هم چیده می‌شوند، لحظه به لحظه، رخ بنماید. و البته

در محضر بزرگان

راه‌های رقت قلب چیست؟

رقت قلب داریم و ضعف قلب. ممکن است کسی بگوید من در مدت عمرم یک گوسفند را سر نبریده ام یا مرغی را ندیده‌ام که سز بزنند، این رقت قلب نیست بلکه ضعف نفس است. زیرا همین شخص که می‌گوید من تحمل دیدن گوسفند ذبح شده را ندارم وقتی کباب گوسفند را می‌خورم و بوی کباب به مشام فقرا می‌رسد بی خیال است و قلبش تکان نمی‌خورد و به فکر آن‌ها نیست. رقت قلب و عاطفه از فضائل انسانی است در حالی که ضعف نفس فضیلت نیست. راهی که انسان با طی آن برابر دستورات خدمتی به خلق خدا انجام می‌دهد رقت قلب است و آن راهی که به دستورات الهی برابر نیست، ضعف نفس است.

رفیق القلب بودن این است که انسان وقتی فقیری را دید واقعاً متأثر شود. این را می‌گویند رقت قلب. راه رقت قلب هم گناه نکردن است. از حضرت علی (ع) روایت شده است: چشم‌ها گرفتار خشکی نمی‌شوند مگر در اثر قساوت قلب، و قلب گرفتار قساوت نمی‌شود مگر در اثر گناه زیاد.

به کوشش: محدثه عسکری

کرلا آبروی جغرافیاست

کرلا بلندترین قله ی تاریخ است، مقدس ترین لحظه زمان است، ایستگاه آغازین تمام مسافران است که به مقصد خدا جاړیند.

کرلا سرزمین است که رگ هایش عطش می‌نوشند و ذره ذره خاکش بهشت را برابر است.

با نام کرلا هزار توفان نوح در دل‌ها برپا میشود و اشکدان بشر می‌ترسد و باران غم از ناپودان گونه‌ها می‌ریزد.

کرلا یعنی عاشورا، عاشورا حسین (ع)، همان کسی که سر بریده اش منزل به منزل قرآن را تلاوت می‌کند.

کرلا و حسین جرکتی را آغاز و انجامند که از آدم تا دم آخر حیات در جریان است.

حسین واژه ای است که سپیدار به احترامش قیام می‌کند و شقایق‌ها داغدار تنهایی اویند. حسین واژه ای از تبار نور است که به آفتاب روشنی و گرما می‌بخشد.

حسین دست آدمی را می‌گیرد و به شهر آفتاب می‌کشد. کدام حادثه را می‌شناسی که در آن مردی بزرگ در برابر جنگلی از شمشیر فریاد بزند مرگ برای من زیباتر و دلپذیر تر از گردنبری است که بر سینه دختران جوان جلوه‌گری می‌کند.

در عاشورا کسی تاریخ را ورق می‌زند که نشان مزار مادرش بی نشان نیست. کسی که پدرش تا فراز شانه‌های وحی عروج می‌کند و آبروی ذوالفقار از آن اوست.

به قول علامه علا نلی نویسنده مصری "تاریخ هر ملتی تاریخ بزرگان آنست." پس هر ملتی که رجال بزرگ ندارد تاریخ سترگ ندارد یا اصلاً تاریخش شایسته نگارش نیست و ما حسین را در تاریخ خود داریم ما قله تاریخیم.

دلیلو نوشته: هادی اسدی، علوم ارتباطات

خدایا چه بخورم؟



خوردن چند عدد خرما قبل از غروب، خوابی با کیفیت و آرامبخش را برنامه ریزی نمود.

همچنین افرادی که به ترس بی مورد و یا ضعف اعصاب و دردهای مفصلی دچار می‌شوند، می‌توانند با گنجانیدن خرما در سبب غذایی خود از اثرات اعجاز آمیز این داروی مطمئن و مؤثر بهره مند شوند. در ضمن یکی از مستقات خرما اکسیر مؤثر سرکه خرماست که همانند سرکه انگور و سیب از بهترین مواد غذایی برای تصفیه خون و لایروبی رگ هایت پس از مصرف آن غافل نشویم.

چند نمونه غذای خرمایی

۱- کاجی با شیر خرمای: همانند کاجی معروف ایرانی‌ها تهیه می‌شود؛ فقط به جای شکر با شیر خرمای شیرین می‌شود.

۲- حلواي خرما: کمی آرد جوانه ی گندم با مقداری روغن خوب (پاک حیوانی) تفت داده شده، سپس چند عدد خرمای بی هسته را به آن می‌افزاییم. بعد کمی دارچین و زنجبیل اضافه می‌کنیم و با هم مخلوط کرده تا به صورت حلوایی نسبتاً سفت درآید. این حلوا بسیار لذیذ و مقوی است و از شیرینی‌های مردم مهمان نواز شیراز است.

۳- نیمرو با خرما: چند عدد خرما را در کمی روغن گرم کرده، سپس تخم مرغ را به آن اضافه کرده، به هم زده تا خوب بپزد این غذا از غذاهای بسیار خونساز، مقوی و متداول در آذربایجان است که بیشتر در وعده صبحانه میل می‌شود.

۴- سمنوی خرما: این غذا با آرد جوانه ی گندم تهیه می‌شود که با افزودن خرما به دست می‌آید و بسیار خوشمزه و مقوی است و مردم خون گرم مناطق جنوبی ایران آن را تهیه و مصرف می‌نمایند.

۵- رنگینک: صفایخش سفره‌های پر برکت ماه رمضان می‌باشد.

منبع: خدایا چه بخورم؟ زبیده خدایی، نشر نگاران نور، خلاصه نویسی: مریم یوسفی، ارشد روانشناسی

حالی که می‌توان با یک بازنگری عالمانه و آگاهانه در بخش تغذیه خانواده‌ها قسمت عمده عصبانیت‌ها، استرس‌ها و بدخلقی‌ها را کشف و خنثی نمود. نظر حکیم فرزانه تاریخ. بوعلی سینا دلیل این مدعاست. شیخ الرئیس می‌فرماید: «مجموعه اخلاقیات و رفتارهای انسانی در خون شکل می‌گیرد و خون نیز از غذا تولید می‌گردد.» در شماره قبل به ذکر فواید انگور پرداختیم، در این شماره از خرما خواهیم گفت.

بحران روحی حضرت مریم در دوران بارداری به قدری است که از خداوند طلب مرگ می‌کند.

کدام غذا می‌توانست حضرت مریم را به ساحل آرامش برساند و ترس و اضطراب و نگرانی‌اش را برطرف نماید و نیاز جسمی، و روحی آن بزرگوار را تأمین نماید و آن چیزی جز خرما نبود؛ پس خداوند مهربان با اهدا خرما به صورت اعجاز آمیز، حضرت مریم را نه تنها به آرامش روحی و روانی می‌رساند بلکه در او قدرتی برای دفاع از حرمت، آبرو و حیثیتش ایجاد می‌نماید.

امام صادق (ع) فرمودند: هر کس در یک روز هفت خرما عجو ناشتا بخورد شیطان به وی ضرر نمی‌رساند.

بی‌خوابی از معضلات انسان قرن بیستم است، می‌توان با

آیا وقت آن نرسیده به اطراف خود نگاهی کنیم و اعصاب‌های خرد شده، رنگ‌های پریده، خستگی‌ها و عدم رضایت‌ها، اضطراب و استرس‌ها و احساس ناامنی کودکان معصوم، نوجوانان و جوانان را مشاهده کنیم؟! آیا می‌دانید غلبه صنعت بر طبیعت، تحولی جدی در کیفیت مواد غذایی ایجاد نموده و ضرر و زیان بسیاری بر تغذیه مردم گذاشته است؟

آیا می‌دانید اکثر خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها با ظاهر زیبا، شکل و دلپذیر ارزش غذایی و ماهیت حیاتی خود را از دست داده و مشتاقانه به پیشگاه خداوند طلب کنیم: خدایا چه بخورم؟

خوشبختانه تأثیر غذا بر رفتار و خلق و خوی انسان ثابت شده است به طوری که می‌توان غذاهایی را به افراد عصبی و خشن توصیه کرد که بر رفتارهای خشن و اخلاقی تندشان مؤثر باشد و بیمار را به فردی ملایم و خوش خوی تبدیل کند.

بدون شک در تغذیه اسراری نهفته است که باید عالمان فن با تلاش و کوشش فراوان از آن پرده برداری نمایند.

دانشمندان بزرگ تغذیه و مهندسان کشاورزی که عمری را در مطالعه خواص گوناگون میوه‌ها صرف نموده‌اند، معتقدند کمتر میوه ای است که برای بدن انسان از نظر غذایی به اندازه خرما، زیتون، انگور و انار سودمند و پرثمر باشد.

میوه‌های قرآنی مثل انگور، خرما، زیتون، انار و انجیر و... دارای خواص و فواید فراوانی هستند و به قول معروف از دیگر میوه‌ها یک سر و گردن بلندترند.

طلاقی به دلیل عدم تحمل هر دو طرف، اعتیاد و صدها معضل اخلاقی دیگر به ظاهر راهی برای فرار از مشکلات شده است، در

رد پای بقچه

مدیر مسئول: سمانه قیصری

سرمدیر: محدثه عسکری

دبیر سرویس خبری: زینب امیدی پناه

طراح و صفحه‌آرا: مهدی رجعی

هیأت تحریریه: محدثه سادات پرپین چی، مریم یوسفی، ریحانه پوریان، مانده صمدی، خدیجه تاجر، بشری قربانی همکاران این شماره: سیداحمدحسینی، هادی اسدی، نورا، اختر، مینا کریمی، سعیده کرامتی، زینب محمدی دوست، فرانک صالحی و با تشکر از آقای باسرسلیمانی از مجتمع نیش تیراز: ۲۰۰۰ نسخه

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه

چهار دریافت فایل نشریه به سایت nahad8.ir مراجعه نمایند.

نکته: کلیه مطالب درج شده نظر نویسندگان میباشد و الزاماً نظر نشریه بقچه نیست.

و نقد یا تأیید آن توسط شما بلا مانع بوده و قابل درج میباشد.



نشانی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز - مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - ساختمان ۵ طبقه اول - اتاق ۱۱۲

تلفن: ۳۳۳۳۷۷۲ سامانه پیامکی: ۳۰۰۲۸۲۲۵۶۵۵۲۲

پست الکترونیک: boghcheh.1390@gmail.com Vkhmantaghe8@yahoo.com

وبلاگ: mahnamehbooghcheh.blogfa.com